

Research Article

Dor: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jshsp/Article/1032117>

Survey the Role of the Feeling of Relative Deprivation and Neighborhood ties in the Tendency towards Urban Violence (Case Study: Youth of Rasht City)

Nayyer Ebrahimi¹, Reza Ali Mohseni^{2*} & Mahmood Elmi³

1. Ph.D. Student, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

* Corresponding author: Email: Mohseni.net14@gmail.com

Receive Date: 12 December 2022

Accept Date: 28 January 2022

ABSTRACT

Introduction: Architecture, as a physical manifestation of a society's culture, throughout history, besides being affected by cultural interactions, political changes and social reforms, has also influenced the behavioral patterns of society's people. An example of this influence can be seen in the facade of urban buildings, which have found a disjointed structure in recent years. Considering people's acceptance of neoclassical (Roman) facades and the increase of this type of facade construction in metropolises, the present research seeks to investigate the causes of citizens' tendency to use Roman facades in buildings.

Research Aim: The aim of the research is to discover the reasons for the popularity of neoclassical (Roman) facades and the reasons for citizens' tendency to use this type of facade.

Methodology: The present research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of method. Lisrel and SPSS software and path analysis tests and confirmatory factor analysis were used to analyze the data and prove the hypothesis test.

Studied Area: The study area of the research is a district of Tehran city, which along with its boundaries has an area of about 181 square kilometers and according to the latest census results in 2015, it has a population equal to 494 thousand people.

Results: Investigations about the influence of economic, social, cultural and aesthetic factors on the tendency of citizens to use neoclassical facades and data analysis show the proof of research hypotheses. So that according to the output of Lisrel software, the values of the index with factor loadings greater than 0.3 and t-statistics higher than 1.96 are acceptable, economic factors, social factors, cultural factors and aesthetic factors respectively with values T (3/69), (2/07), (4/12) and (9/00) all correctly cover the variables and are valid.

Conclusion: The results of this research show that the effective factors in the tendency of citizens to use common facades are outside the framework of approved rules and laws. As long as the principles and rules for the design and implementation of facades are not developed, the process of facade construction being affected by cultural, social and economic conditions will continue.

KEYWORDS: Feeling of Relative Deprivation, Neighborhood Ties, Urban Violence, Rasht City



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

دوره ۱۹، شماره ۲ (پیاپی ۶۷)، تابستان ۱۴۰۳

شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸

<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

صص. ۲۰۰-۱۸۹

Dor: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jshsp/Article/1032117>

مقاله پژوهشی

تحلیل نقش احساس محرومیت نسبی و پیوندهای محله‌ای در گرایش جوانان به خشونت شهری (مورد مطالعه: شهر رشت)

نیر ابراهیمی^۱، رضا علی محسنی^{۲*} و محمود علمی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: Email: Mohseni.net14@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۱ آذر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۰۸ بهمن ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: توجه به کاهش ناامنی‌های شهری از جمله مسایل مهم در دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی است. جرم و خشونت شهری از جمله عواملی هستند که باعث تضعیف امنیت در شهرها می‌شوند. خشونت شهری یکی از آسیب‌های اجتماعی است که با مطالعه آن می‌توان به وضعیت سلامت اجتماعی در یک شهر پی برد.

هدف: هدف پژوهش مطالعه نقش احساس محرومیت نسبی و پیوندهای محله‌ای در گرایش به خشونت‌های شهری است.

روش‌شناسی تحقیق: روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات، از روش‌های اسنادی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر رشت شامل ۲۲۴۲۰۳ نفر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای توزیع گردید. مفهوم احساس محرومیت نسبی با بهره‌گیری از پژوهش لهسانی‌زاده (۱۳۹۱)، پیوندهای محله‌ای با بهره‌گیری از پژوهش جمشیدی‌ها و همکاران (۱۳۹۳) و خشونت شهری نیز با استفاده از پرسشنامه تحقیق محسنی و همکاران (۱۳۹۵) سنجیده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Amos و آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گردید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر، مناطق پنج‌گانه شهرداری شهر رشت می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بین پیوندها و تعلقات محله‌ای و گرایش به خشونت شهری، همبستگی (-۰/۱۹) معنادار معکوس ضعیفی وجود دارد؛ اما بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به خشونت شهری، همبستگی (۰/۳۳) معنادار مستقیمی وجود دارد. همچنین نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد که پیوندها و تعلقات محله‌ای با ضریب ۰/۳۰- و احساس محرومیت نسبی با ضریب ۰/۳۹+ بر گرایش به خشونت‌های شهری تاثیر دارند.

نتایج: برای کاستن از خشونت‌های شهری در بین جوانان لازم است برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های دقیقی در زمینه کاهش احساس محرومیت نسبی (توزیع برابر امکانات و برقراری عدالت اجتماعی) و افزایش احساس تعلق اجتماعی به شهر و محله‌های شهری صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: احساس محرومیت نسبی، پیوندهای محله‌ای، خشونت‌های شهری، شهر رشت

مقدمه

خشونت را باید موضوعی مبهم تلقی کرد که علی‌رغم اجماع نظری در رد و انکار آن، در حیات اجتماعی انسان، گستره‌ای بس وسیع دارد. انسان‌ها طی سالیان متمادی از خشونت آسیب دیده و متضرر شده‌اند؛ هر چند که آدمی به خشونت خود نسبت به همنوعش وقوف یافته و بعضاً درصدد پیدا کردن راهی برای غلبه بر آن برآمده است، ولی آنچه امروزه نگرانی را تشدید کرده همانا گسترش و وسعت روزافزون خشونت می‌باشد. به‌ویژه با رشد شهرنشینی، همه روزه شاهد ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز در سطح فردی و اجتماعی هستیم که همگی نشاندهنده این واقعیت است که سطح گرایش به خشونت همه روزه در حال افزایش و تغییر الگو می‌باشد. تا یک دهه پیش، زمانی که درباره خشونت صحبت می‌شد، ذهن افراد معطوف به برخی گونه‌های خاص از خشونت، نظیر دزدی یا نزاع می‌شد؛ اما امروزه دیگر صحبت از یک یا چند گونه خاص از خشونت معنادار نمی‌باشد. آنچه امروزه توجه همگان را به خود معطوف نموده، گسترش خشونت در تمامی اشکال و مظاهر آن است که آسایش، امنیت و سلامت جامعه را تهدید می‌کند (میکائیلی، ۱۳۹۵: ۳).

یکی از انواع خشونت که با گسترش و رشد شهرها و نظام شهرنشینی به وجود آمده، خشونت شهری است (Huq & Rappaport, 2022). به خشونتی که محصول زندگی شهری است خشونت شهری گفته می‌شود (Glass et al., 2022). یا خشونتی که نتیجه زیست پرتراکم و پرازدحام جمعیتی در یک محیط است؛ و یا کنش خشنی که زاییده طراحی ناصحیح شهری و معماری نامناسب، شهرک‌های خوابگاهی، اضطراب ناشی از شرایط زندگی و یا ناشی از ناپایداری مکانی و متأثر از ترافیک یا آلودگی هوا و آلودگی صوتی و یا محصول تنش‌های عصبی و تعارضات اجتماعی شهروندان و ساکنان است. در واقع، کلیه ناهنجاری‌ها و رفتارهای ضداجتماعی که در متن شهر رخ می‌دهند به نوعی خشونت شهری به حساب می‌آیند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۲). وجود خشونت‌های شهری تهدید بزرگی بر سلامت روان شهروندان است و کیفیت زندگی را کاهش می‌دهد (Laurito, 2022) و انواع مختلف خشونت می‌تواند رفاه اقتصادی یک فرد را به خطر بیندازد و مانع رشد اقتصادی و تولید ثروت در شهر گردد و عامل گسترش آسیب‌های شهری شود. خشونت، نه تنها مانع سرمایه‌گذاری و بد نام کردن محله می‌شود بلکه انسجام اجتماعی را نیز نابود کرده و دسترسی به اشتغال و فرصت‌های آموزشی را محدود می‌سازد (محمدی و باقری کشکولی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). همچنین در این زمینه زوکیان نیز معتقد است که بارزترین تهدید برای فرهنگ عمومی، نگرانی‌ها و ترس‌های ناشی از تهدیداتی نظیر ضرب و شتم، نزاع و درگیری، جنایات نفرت‌انگیز و نظایر اینهاست که حضور در فضای عمومی شهر را محدود می‌کند (Zukin, 1995: 37). در فرایند شکل‌گیری و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز عوامل متعددی نقش دارند. نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو همچون پارک^۱ و برجس^۲، ضعف کنترل اجتماعی غیررسمی را عاملی مهم در خشونت‌های شهری می‌دانند. از منظر نظریه‌پردازان پنجره‌های شکسته، بی‌نظمی فیزیکی خیابان‌ها و محله‌ها عاملی اساسی در گرایش به خشونت‌های شهری است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۳۲). دیوید چپمن^۳ ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری (ساختمان‌های بدون استفاده، کوچه‌های تاریک و باریک و...) را در کشیده شدن افراد به سمت خشونت‌های شهری مهم می‌داند (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹). راجر ترانسیک^۴ (۱۹۸۶) نیز همچون چپمن، فضاهای گمشده یا بدون استفاده را بستر مناسبی برای رفتارهای خشونت‌آمیز می‌داند. از مهم‌ترین دیدگاه‌های نظری مبتنی بر تاثیر عوامل اجتماعی بر خشونت‌های شهری می‌توان به نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، کنترل اجتماعی، و احساس محرومیت نسبی اشاره نمود (Zambon & Feltran, 2022). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارایی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، همچنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرایمی هم چون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌دانند (احمدی، ۱۳۹۲: ۴۳). همچنین این نظریه‌ها قریب به اتفاق مسائل اجتماعی را محصول انهدام سنن، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان قواعد متنوع رفتاری در سطح جامعه (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تغییرات سریع اجتماعی و برهم زنده تعادل آن به وجود آمده است و باعث احساس ناکامی در افراد و انهدام کنترل

1. Park
2. Barjess
3. David Chapman
4. RajerTrancik

اجتماعی می‌شود، می‌دانند. بر اساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، شهرهای مدرن با تغییراتی مثل تضعیف علاقه و روابط خویشاوندی، کاهش کارایی نهادهای اجتماعی، تضعیف روابط همسایگی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر، افزایش بی‌اعتمادی، کاهش مشارکت اجتماعی و مواردی مانند آن مواجه شده‌اند که محیط مناسبی برای کجروی و جرم فراهم می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲: ۴۳). طبق استدلال این دیدگاه هر چه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله بیشتر باشد و آنان بتوانند برای خود شبکه‌ای از روابط بسازند، احساس تعلق خاطر به اجتماع می‌یابند و چنین احساسی سبب کاهش ترس از جرم در میان آنان می‌شود (رشادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷۷).

نظریه‌های کنترل اجتماعی فرض را بر این می‌گذارند که همه انسان‌ها استعداد سرپیچی از قانون را دارند و اگر کنترل نشوند، مرتکب کجروی می‌شوند (Chriss, 2022). نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی این سوال را مطرح می‌کنند که چرا مردم از قواعد و قوانین جامعه پیروی می‌کنند؟ پاسخی که آن‌ها به این پرسش می‌دهند این است که مردم به خاطر این از قانون اطاعت می‌کنند که رفتار و نگرش آن‌ها به وسیله نیروهای درونی و بیرونی کنترل می‌شود. بنابراین، فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کجروی است. تراویس هیرشی^۱ یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان حوزه کنترل اجتماعی در نظریه خود مفهوم پیوند اجتماعی را مطرح می‌کند و بر این عقیده است که انحراف یا کج‌رفتاری زمانی حادث می‌شود که پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه ضعیف شده یا از هم گسیخته باشد. در تئوری هیرشی، پیوند فرد با جامعه است که مهمترین متغیر در هم‌نوا بودن یا هم‌نوا بودن فرد است. بر این اساس گروهی که اعضای آن با هم انسجام و همبستگی قوی‌تری داشته باشند بهتر قادر به اعمال و نظارت اجتماعی بر روی اعضایش خواهد بود تا گروهی که بین آن‌ها انسجام استواری وجود نداشته باشد. هیرشی معتقد است که کج‌رفتاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به طور کلی از بین بروند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۸). بنابراین طبق نظریه هیرشی می‌توان استدلال کرد که در محلات یا مناطقی که پیوندها و تعلقات جمعی یا محله‌ای قوی است افراد کمتر به سمت کج‌رفتاری و خشونت‌های شهری سوق پیدا می‌کنند و بالعکس (لهسائی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲).

از دیگر نظریه‌های این حوزه می‌توان به نظریه محرومیت نسبی تد رابر گار اشاره نمود. گار در نظریه محرومیت نسبی خود بر این باور است که چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود؛ آن‌ها دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت است. محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی برای اقدام علیه منبع محرومیت است. بر اساس این دیدگاه، خشونت شهری هنگامی صورت می‌گیرد که افراد به این نتیجه برسند، که بنا به دلایل و عواملی از امکانات موجود یا آنچه مورد انتظارشان است کمتر از آنچه حق خودشان می‌باشد، دریافت می‌کنند. از این رو برای دست یافتن به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به خشونت یا پرخاشگری روی می‌آورند (زارع‌زاده اردشیری و آقایی هیر، ۱۳۹۶: ۱۲۱). در واقع، وجود نابرابری اجتماعی و اقتصادی یا تضاد طبقاتی بین مناطق مختلف شهری و میان افراد باعث می‌شود افراد که افراد نوعی احساس محرومیت نسبی یا احساس تبعیض کنند (Williams, 2022) و چون این افراد نه از سرمایه لازم و نه از توان اقتصادی مناسب و لازم برای رسیدن به موقعیت‌های بهتر و خدمات رفاهی بالای جامعه برخوردار نیستند، تنها راهی که برایشان باقی می‌ماند کج‌رفتاری یا انحراف همچون خشونت‌های شهری است.

در خصوص خشونت شهری تحقیقات اندکی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهمترین عوامل شکل‌گیری خشونت‌های شهری عبارتند از: فضاهای شهری (نایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محسنی و همکاران، ۱۳۹۵)، فقر و نابرابری و تحصیلات (Poveda, 2011)، فقر و فرصت‌های شغلی محدود (Davis, 2020)، افزایش انتظارات و عدم امکان برآورده شدن آن‌ها (Briceño-León, 2005)، افزایش فاصله اجتماعی و اقتصادی (لهسائی‌زاده، ۱۳۹۱)، ضعف اقتصادی، عدم تجانس قومی و نژادی، ازدحام جمعیت، طراحی نامناسب شهری، رقابت برای منابع کمیاب، فقدان سرمایه اجتماعی (World Bank, 2011)، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و تبعیض نژادی (Wakefield & Tait, 2015)، سطح بالای بی‌نظمی محلات (Zhang, 2009)، حکمرانی بد، فساد سیاسی، عدم تثبیت دموکراسی، بی‌عدالتی (Aliu, 2018; Idowu, 2015) و غیره.

خشونت امری پیچیده و چند بعدی است و افزایش رو به رشدی در سطح کشوری و در سطح استانی پیدا کرده است. استان گیلان یکی از استان‌های شمالی کشور ایران است. این استان در سال ۱۳۹۳ از نظر میزان جرایم خشن در رتبه دوم کشوری قرار داشت. متأسفانه میزان خشونت‌های کلامی (توهین) و جسمانی در قالب ضرب و جرح در استان گیلان در حال افزایش است. براساس آمار موجود در استان به لحاظ نرخ ورودی پرونده‌های مربوط به ضرب و جرح عمدی به محاکم قضایی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با رشد قابل ملاحظه ۴۸ درصدی همراه بوده است. این رشد نیز نسبت به سال ۱۳۹۲ نیز ۱۲ درصد می‌باشد. این جرم در بین سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به‌عنوان نخستین جرم و در طی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ دومین جرم در استان محسوب می‌شود. یکی دیگر از جرایمی که در نزاع، درگیری و قتل مؤثر است توهین به اشخاص است. براساس آمار موجود در استان به لحاظ نرخ ورودی پرونده‌های مربوط به توهین به محاکم قضایی در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با رشد ۶۰ درصدی همراه بوده است. این جرم نسبت به سال ۱۳۹۲ با ۱۸ درصد رشد مواجه بوده است. بر اساس آمار موجود در استان به لحاظ نرخ ورودی پرونده‌های مربوط به تهدید به محاکم قضایی در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ با رشد ۵۵ درصدی همراه بوده است. این جرم نسبت به سال ۱۳۹۲ با ۱۶ درصد رشد داشته است (یعقوبی چوبری، ۱۳۹۶: ۱۸۸). همچنین مطابق اظهارات معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان گیلان در سال ۱۳۹۸، ۴۳ هزار و ۴۶۶ پرونده خشونت در این استان تشکیل شده است که حاکی از بالا بودن میزان خشونت در این استان و بالاخص شهر رشت است. مطابق اظهارات معاون امور اجتماعی نیروی انتظامی استان گیلان، در سال ۱۳۹۹، بالاترین میزان درگیری فردی و لفظی در سطح کشور مربوط به استان گیلان و شهر رشت است. به طوری که در ۷ ماه اول سال ۱۳۹۹، ۱۷ هزار پرونده در ایراد ضرب، ۱۱ هزار پرونده در تهدید، ۱۵ هزار پرونده در توهین وارد دستگاه قضایی و محاکم استان گیلان شده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹). علاوه بر این، در این استان، شهر رشت به‌عنوان مرکز استان، یکی از شهرهای بزرگ و مهاجرپذیر کشور است که هر ساله افراد زیادی به این شهر مهاجرت می‌کنند و به پدیده حاشیه‌نشینی در این شهر نیز دامن می‌زنند. طبق گفته رئیس کمیسیون عمران شورای شهر رشت طی ۱۰ سال اخیر، جمعیت شهر رشت یک و نیم برابر خواهد شد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷). این در حالی است که زیرساخت‌های شهری در رشت شکننده بوده و عدم مدیریت صحیح در این حوزه می‌تواند تبعات اجتماعی زیادی از جمله آسیب‌های اجتماعی و خشونت شهری را به دنبال داشته باشد. اگرچه آمارهای فوق نشانگر افزایش خشونت‌های شهری در شهر رشت هستند اما با وجود اهمیت این مسئله و گسترش جرایم و آسیب‌های اجتماعی در این شهر، تا کنون پژوهشی در زمینه خشونت شهری در رشت صورت نگرفته و پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلاء علمی و تحقیقاتی صورت می‌گیرد. این در حالی است که افزایش غیرقابل انتظار خشونت در اشکال مختلف در سطح ملی و استانی پیامدها و کارکردهای منفی زیادی در سطح فرد، گروه‌های اجتماعی و نظام اجتماعی دارد. علاوه بر صدمات جدی به قربانیان و نزدیکان آن‌ها، امنیت و سلامت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد و نظم اجتماعی را تضعیف کرده و موجب حجم گسترده پرونده‌ها در دستگاه‌های انتظامی و قضایی می‌شود. با توجه به موارد فوق، حال پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مهمترین عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت شهری در بین جوانان شهر رشت کدامند؟ بنابراین هدف پژوهش حاضر مطالعه میزان گرایش به خشونت شهری در بین جوانان شهر رشت و شناسایی نقش برخی از عوامل مؤثر بر آن در این شهر است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته است. علاوه بر داده‌های آماری شهر رشت، توزیع پرسشنامه بین جامعه آماری، مهمترین منبع اطلاعاتی برای آگاهی از وضعیت محدوده مورد مطالعه است. با توجه به ماهیت موضوع و سابقه مطالعات خشونت‌های شهری، احساس محرومیت نسبی و پیوندهای محله‌ای در سطح کشور و خارج از کشور، به استخراج شاخص و ناگرهای آن‌ها پرداخته شد و در مرحله بعد اقدام به انطباق آن‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی شهر رشت گردید و در مرحله دوم با استفاده از پرسشنامه طراحی شده توسط محققان، برخی از شاخص‌ها پس از گذر از صافی پرسشنامه اولیه مرحله پیش آزمون در پرسشنامه نهایی به کار رفتند (جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	شاخص
خشونت روانی	خشونت روانی	شنیدن الفاظ رکیک و ناشایست در محل زندگی، شاهد مصرف مواد مخدر بودن در محل زندگی، خودداری از ارتباط با افراد غریبه و ناشناس در محل زندگی، حمل سلاح سرد توسط دیگران در محل زندگی، بیرون از خانه نماندن در ساعات شب در محل زندگی، مورد تمسخر و تحقیر قرار گرفتن در محل زندگی، مناسب نبودن فضای زندگی از نظر پاکیزگی و نظافت
		اتفاق افتادن عربه‌کشی و چاقوکشی توسط ارادل در محل زندگی، نگرانی از مورد حمله قرار گرفتن فرزند یا فرزندان در محل زندگی، آزار و آسیب دیدن برخی از افراد در محل زندگی، حضور کمتر افراد مسن و خانم‌ها در محل زندگی، پرسه‌زنی افراد بی‌خانمان و ولگرد در محل زندگی، احتمال اتفاق افتادن حمله و حمله بر فرد در محل زندگی، نبود کنترل و نظارت لازم برای پیشگیری از خشونت در محل زندگی
خشونت شهری	خشونت اجتماعی	شاهد تنه‌زنی و متلک‌گویی بودن مردان به زنان در محل زندگی، تبدیل شدن محل زندگی به کانون پرسه‌زنی دختران فراری و زنان خیابانی، انداختن ته سیگار و تف دهان به زمین توسط دیگران در محل زندگی، موجب ناراحتی و عدم آرامش شدن نگاه‌های غریبه و نامناسب در محل زندگی، حاکی از فحش و جرائم جنسی بودن دیوار نوشته‌های محل زندگی، عدم علاقه به محل زندگی خود به خاطر نامناسب بودن حضور خانواده‌ها در آن، لزوم دست زدن به خشونت برای حفظ حقوق خود در محل زندگی
		شاهد تخریب و تصاحب اموال عمومی بودن در محل زندگی، تبدیل شدن محل زندگی به مکان مناسب برای معامله و مبادله مواد مخدر و الکل، اتفاق افتادن زورگیری و باجگیری افراد شورور در محل زندگی، ترس از تبدیل شدن محل زندگی به مخفی‌گاه دزدان یا کیف‌چاپان، ترجیح دادن به عدم داشتن طلا و جواهر در محل زندگی، اتفاق افتادن دزدی و سرقت اموال شهروندان در محل زندگی، ایجاد تشویش و اضطراب در فرد توسط افراد متکدی و دوره‌گرد
پیوندهای محله‌ای	برآورده‌سازی نیازها	شناختن افراد ساکن محله، تلقی محله همچون خانه خود، شناختن فرد توسط افراد محله
		مهم بودن نظر و افکار افراد محله درباره کارهای فرد، تاثیرگذار بودن فرد بر شرایط و محیط محله، قادر بودن حل مشکلات در صورت رخ دادن توسط افراد محله
احساس محرومیت نسبی	پوست‌های عاطفی	مناسب بودن این محله برای زندگی فرد، همفکری و اتفاق نظر افراد محله در مورد مسائل محله، دسترسی و تامین شدن نیازهای فرد در محله خود
		عدم علاقه به زندگی کردن در این محله، علاقه داشتن به سکونت طولانی مدت در این محله، علاقه داشتن مردم این محله به کمک کردن به هم‌محلی‌های خود
محرومیت فردی	آمادگی برای مشارکت	داشتن یک محله بهتر از طریق همکاری با دیگران و کار کردن به صورت جمعی، آمادگی داشتن برای صرف وقت خود به صورت داوطلبانه برای بهبود شرایط محله، آمادگی داشتن برای همکاری با نهادهای محله همچون سراها یا کانون‌های محله
		شرایط برابر داشتن در رسیدن به موقعیت مالی برابر توسط فرد و سایر مردم یا گروه‌های اجتماعی، بدتر شدن روز به روز وضع مالی فرد و خانواده‌اش، عدم کفایت وضعیت معیشتی فرد برای داشتن یک زندگی آبرومندانه، احساس عقب بودن از همسالان از نظر داشتن امکانات زندگی، عدم داشتن امکانات اولیه همچون مسکن، خوراک و لباس جهت یک زندگی مناسب، عزت و احترام برابر نداشتن به اندازه سایر دوستان در محلات دیگر، عدم علاقه برای برقرار تماس و رابطه اجتماعی دوستانه با دیگران
محرومیت جمعی	عدم رسیدن به خواسته‌ها با شرایط فعلی جامعه، عدم استفاده از امکانات شهر برای آباد کردن محل زندگی فرد، عدم توجه به بهداشت و نظافت محله و ساکنان آن، عدم مسئول بودن هیچ کس در قبال وضعیت و موقعیت اجتماعی شهروندان، عدم وجود فرصت مشارکت در امور اجتماعی محله	عدم برآورده شدن انتظارات فرد در محله، توزیع نامتادل امکانات زندگی در شهر، وجود فاصله بسیار زیاد بین آنچه هست و آنچه باید باشد، عدم رسیدن به خواسته‌ها با شرایط فعلی جامعه، عدم استفاده از امکانات شهر برای آباد کردن محل زندگی فرد، عدم توجه به بهداشت و نظافت محله و ساکنان آن، عدم مسئول بودن هیچ کس در قبال وضعیت و موقعیت اجتماعی شهروندان، عدم وجود فرصت مشارکت در امور اجتماعی محله

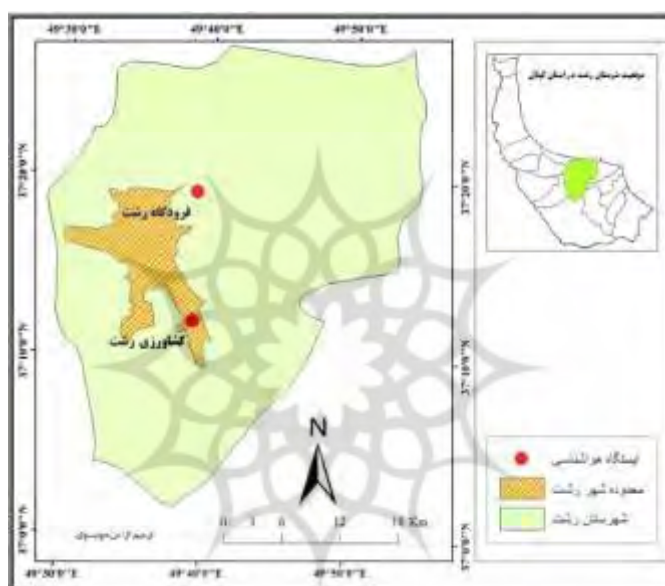
منبع: محسنی و همکاران (۱۳۹۵)؛ جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۲)؛ لهرستانی‌زاده (۱۳۹۱)

برای تعیین اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه از نظر ۸ نفر اساتید جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری استفاده گردید و شاخص‌ها طبق نظر این اساتید اصلاح شد. همچنین جهت تعیین اعتبار همگرا از نرم افزار Amos استفاده گردید و اعتبار همگرایی متغیرهای خشونت شهری (۰/۷۵)، پیوندهای محله‌ای (۰/۵۰) و احساس محرومیت نسبی (۰/۶۵) به دست آمد که با توجه به نظر مگنر و همکاران (۱۹۹۶) بالاتر از ۰/۴۰ بودن مقدار اعتبار همگرا حاکی از قابل قبول بودن آن است. جهت تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای این منظور پرسشنامه تحقیق، قبل از بررسی و تحلیل یافته‌ها، پیش‌آزمون گردید و ضریب آلفای به دست آمده برای متغیرهای خشونت شهری برابر با (۰/۸۲)، پیوندهای محله‌ای (۰/۷۲) و احساس محرومیت نسبی (۰/۷۴) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال (بازه سنی دوره جوانی از سوی وزارت ورزش و جوانان، ۱۸ تا ۳۵ سال اعلام شده است) شهر رشت در سال ۱۴۰۰ است که تعداد آن‌ها مطابق با سرشماری عمومی نفوس و

مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۲۴۲۰۳ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران به مقدار خطای ۰/۰۵ کل جامعه نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش کار نمونه‌گیری به این صورت بود که در مرحله نخست، هر یک از مناطق پنج‌گانه شهرداری رشت به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم، فهرستی از محلات هر منطقه تهیه شد و در هر منطقه، دو محله به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله سوم، از هر محله، چهار بلوک انتخاب شد و از هر بلوک نیز ۱۰ نفر از افراد ۱۸ تا ۳۵ سال به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. در مقاله حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری (به منظور آزمون مدل تدوین شده پژوهش) استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش شهر رشت می‌باشد. شهر رشت دارای ۵ منطقه شهرداری، ۱۷ ناحیه و ۵۵ محله است. در این تحقیق تلاش شده است تا به صورتی تصادفی ساده از بین تمام محلات و مناطق شهرداری، پرسشپری صورت گیرد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان می‌دهد که تعداد پاسخگویان ۳۸۴ نفر است و ۴۷/۹۱ درصد (۱۸۴ نفر) مشارکت‌کنندگان مرد و ۵۲/۰۹ درصد (۲۰۰ نفر) زن هستند. پاسخگویان در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال قرار دارند و میانگین سنی‌شان ۲۸/۵۶ سال است. به لحاظ پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ۳۲/۵۵ درصد پاسخگویان از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ۳۶/۴۶ درصد متوسط و ۳۰/۹۹ درصد از پایگاه بالای برخوردار هستند. لازم به ذکر است که نمره پایگاه اقتصادی-اجتماعی ترکیبی از مولفه‌های تحصیلات، وضعیت اشتغال و میزان درآمد است.

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (۲) نشان می‌دهد میانگین شاخص خشونت شهری کل پاسخگویان ۹۵/۵۵ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۲۸ تا ۱۴۰)، در سطح متوسطی قرار دارد. این بدین معنا است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان خشونت‌های شهری را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شاخص تعلقات و پیوندهای محله‌ای کل پاسخگویان ۳۶/۸۳ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۱۵ تا ۷۵)، در سطح متوسطی قرار دارد. این بدین معنا است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان از تعلقات و پیوندهای

محلله‌ای متوسطی برخوردار هستند. علاوه بر این، میانگین شاخص احساس محرومیت نسبی کل پاسخگویان ۵۶/۹۱ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۱۵ تا ۷۵)، در سطح بالایی قرار دارد. این بدین معنا است که اکثر پاسخگویان از احساس محرومیت نسبی بالایی برخوردار هستند.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
خشونت شهری	۲۸	۱۴۰	۶/۵۹	۹۵/۵۵
پیوندهای محله‌ای	۱۵	۷۵	۳۶/۸۳	۹/۲۲
احساس محرومیت نسبی	۱۵	۷۵	۵۶/۹۱	۸/۶۹

یافته‌های استنباطی

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۳)، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری به دست آمده که پایین‌تر از ۰/۰۵ است، بین پیوندها و تعلقات محله‌ای و گرایش به خشونت شهری، همبستگی معنادار معکوس ضعیفی وجود دارد؛ این بدین معنا است که با افزایش پیوندها و تعلقات محله‌ای، گرایش به خشونت شهری کاهش می‌یابد. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های مبارکی و صلاحی (۱۳۹۱) و افشار و همکاران (۱۳۹۸) است که کاهش پیوندهای محله‌ای را عاملی در به وجود آمدن ترس از جرم، خشونت و ناامنی می‌دانند. در پژوهش‌های آن‌ها مشخص شد که نبود پیوندهای اجتماعی و فرهنگی منجر به کاهش ظرفیت مناطق شهری و محله‌ها برای کنترل غیررسمی رفتار مردم و در نتیجه افزایش احتمال انحرافات اجتماعی، ترس از جرم و خشونت شهری می‌شود. همچنین همان‌طور که نبوی چپیشه (۱۳۹۴) و عشایری و همکارانش (۱۳۹۶) در مطالعات‌شان نشان دادند، تعلقات و پیوندهای محله‌ای از طریق افزایش اعتماد اجتماعی و کنترل اجتماعی می‌توانند خشونت شهری را کاهش دهند. وجود اعتماد اجتماعی زمینه گسترش همبستگی و انسجام اجتماعی را در بین افراد و جامعه فراهم می‌کند و عدم وجود اعتماد اجتماعی باعث نارضایتی، بی‌ثباتی، بی‌تفاوتی و انحرافات اجتماعی می‌شود. همچنین فقدان اعتماد اجتماعی، نظم اجتماعی را مختل می‌کند و مانعی بزرگ در زمینه تعاملات و ارتباطات افراد می‌شود. در چنین وضعیتی فرد احساس خطر، ناامنی و ترس می‌کند. در واقع، احساس اضطراب، صرف مبالغ هنگفت برای جلوگیری از قربانی جرم شدن، خشونت، تحرک جغرافیایی کمتر، قوت گرفتن کلیشه‌های ذهنی درباره گروه‌های اجتماعی و افراد، از جمله هزینه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی فرسایش اعتماد اجتماعی و در نتیجه افزایش خشونت در جامعه است. در این زمینه، شفر^۱ و همکارانش (۲۰۰۶) بر این باورند که تلقی شهروندان از تعلقات و شبکه‌های غیررسمی محلی و همسایگی نشان‌دهنده توان خودتنظیمی محلی است. این خودتنظیمی می‌تواند به خشونت، جرم و بی‌نظمی واقعی یا تلقی از آن نسبت داده شود؛ بدین طریق که خشونت شهری از طریق بی‌نظمی افزایش یافته و از طریق پیوستگی محلی و اجتماعی کاهش می‌یابد. کنترل اجتماعی (رسمی و غیر رسمی) نیز نقش مهمی در کاهش خشونت‌های شهری دارد. از این دیدگاه، خشونت شهری پیامد از بین رفتن نظارت یا کنترل اجتماعی است که ساکنان یک شهر آن را تلقی می‌کنند. خشونت موقعی اتفاق می‌افتد که ساکنان به این نتیجه می‌رسند که مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و ارزش‌ها و قواهدی که قبلاً کنش‌های ساکنان محل را تعیین می‌کرد، دیگر تاثیر زیادی ندارند. براساس رویکرد کنترل اجتماعی، سازوکارهای بازدارنده خشونت، ناامنی و جرم شامل تلقی همسایگان از ظرفیت‌های کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی است. به عبارت دیگر، کیفیت اجتماع از طریق عرف‌های مرسوم محلی، هنجارها و مجازات غیررسمی یا با قواعد رسمی و تنظیماتی حفظ می‌شود که به وسیله نهادهای دولتی اعمال می‌شوند. در واقع، تلقی افراد از تخریب سازوکارهای کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی یا همان تعلقات و پیوندهای محله‌ای، تشدید نگرانی‌های اجتماعی و خشونت شهری را در پی خواهد داشت.

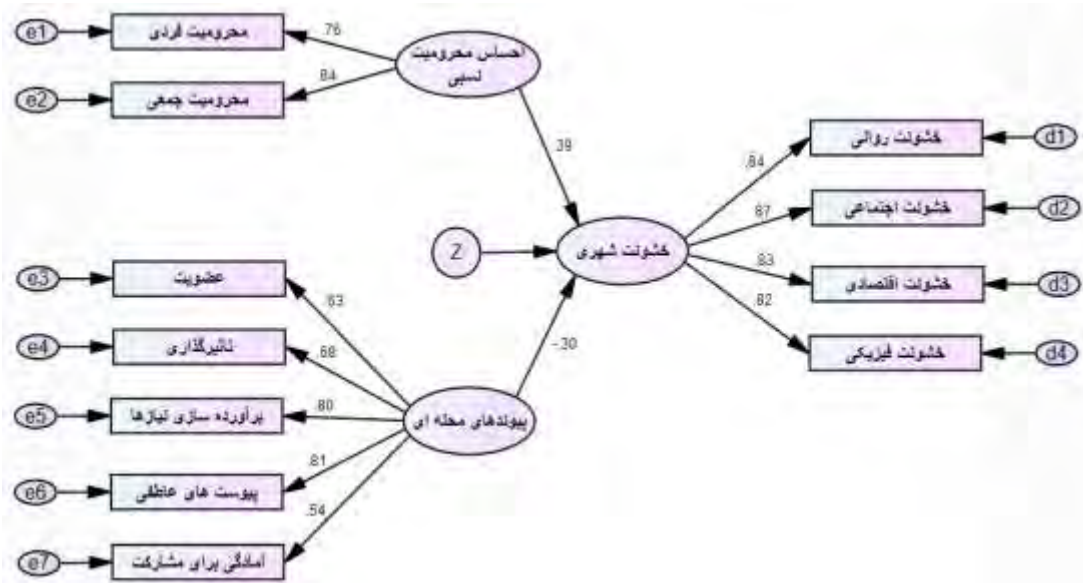
همچنین بر اساس اطلاعات جدول (۳)، با توجه به سطح معناداری به دست آمده که پایین‌تر از ۰/۰۵ است، بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به خشونت شهری، همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد؛ این بدین معنا است که با افزایش احساس محرومیت نسبی، گرایش به خشونت شهری نیز افزایش می‌یابد. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های لهسائی‌زاده (۱۳۹۱)، گنجی و همکاران (۱۳۹۵)، مورنوف و همکاران (۲۰۰۱)، بانک جهانی (۲۰۱۱)، پوودا (۲۰۱۱)، آلیو (۲۰۱۵) و ویکفیلد و تیت

(۲۰۱۵) است که نابرابری و محرومیت را عاملی در پیدایش خشونت شهری دانسته‌اند. نتایج تحقیقات آن‌ها بیانگر آن است که در صورت وجود یک شکاف قابل توجه بین آنچه افراد معتقدند قابل دسترس است (تجربه گروه) و آنچه قابل دسترس نیست تجربه جامعه بزرگ‌تر)، افراد این شکاف را به عنوان محرومیت نسبی درک می‌کنند و احساس محرومیت عاملی موثر در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز است. نتیجه به‌دست آمده از آزمون رابطه بین احساس محرومیت نسبی و خشونت شهری با نظریه احساس محرومیت نسبی رابرت گار نیز انطباق دارد. از نظر گار محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد. از نظر گار هرچه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و یک نوع احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هرچه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقاء اجتماعی کمتر باشد، محرومیت نسبی نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین شرایط زندگی برخی از افراد در برخی از مناطق شهری به صورتی است که از یک سو فقیر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی افرادی از امکانات مادی و اقتصادی مناسبی برخوردارند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی در میان این اقشار جامعه می‌شود. این امر گاهی می‌تواند همچون بشکه باروت برای ایجاد آشوب‌ها و انحرافات اجتماعی همچون خشونت شهری عمل کند. لذا اعتقاد به پیشرفت و داشتن یک زندگی بهتر در میان افرادی که دچار مشکلات اقتصادی هستند و از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایینی برخوردارند و همچنین در محلات و مناطق کم‌برخوردار و محروم شهر زندگی می‌کنند، باعث می‌شود گروه‌های مرجع آن‌ها کسانی باشند که از وضعیت بهتری برخوردار هستند، اما چون شرایط حاکم، امکان دستیابی به چنین موقعیت‌هایی را برای همه فراهم نمی‌کند، احساس محرومیت نسبی در میان گروه‌های فقیرنشین شهری افزایش پیدا کرده و زمینه نارضایتی اجتماعی را در میان آن‌ها به وجود می‌آورد و به تدریج گروه مرجع در میان این گروه تغییر پیدا کرده و به سوی اهدافی که دستیابی به آن‌ها ساده‌تر ولی نامشروع است، سوق پیدا می‌کنند و به تعبیر مرتون تناسب میان ابزار و اهداف از بین می‌رود و این موضوع نخست باعث افزایش میزان محرومیت نسبی و سپس باعث گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی همچون خشونت شهری در میان این قشر از جامعه می‌گردد.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه بین دو متغیر

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	مقدار (r)	مقدار (p)
پیوندهای محله‌ای	خشونت شهری	-۰/۱۹	۰/۰۰۱
احساس محرومیت نسبی		۰/۳۳	۰/۰۰۱

به منظور آزمون مدل نظری پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos به محقق کمک می‌کند تا پژوهش خود را از مطالعات نظری و تدوین آن‌ها گرفته تا تحلیل داده‌های تجربی، در قالبی چندمتغیره سامان بخشد. این روش محقق را به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی (تأثیرگذاری مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر به طور یک‌سویه و دوسویه، مستقیم و غیرمستقیم) و همچنین پیچیدگی‌های موجود در اندازه‌گیری سازه‌های پنهان فرهنگی و اجتماعی نزدیک می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر به منظور مشخص نمودن تأثیر متغیرهای مستقل (پیوندها و تعلقات محله‌ای، احساس محرومیت نسبی) بر خشونت شهری، مدل نظری یا تدوین شده برای پاسخگویان آزمون شده است. اطلاعات مدل ۱ بیانگر آن است که در بین پاسخگویان، پیوندها و تعلقات محله‌ای با سطح معناداری (۰/۰۰۱) بر گرایش به خشونت شهری به میزان (۰/۳۰-) تأثیر دارد؛ این بدین معنا است که تعلقات و پیوندهای شهری یکی از عوامل اساسی در کاهش گرایش به خشونت‌های شهری است. همچنین، احساس محرومیت نسبی نیز با سطح معناداری (۰/۰۰۱) بر گرایش به خشونت شهری به میزان (۰/۳۹) تأثیر دارد و این بدین معناست که با افزایش احساس محرومیت نسبی، گرایش به خشونت شهری نیز افزایش می‌یابد.



شکل ۱. آزمون مدل تدوین شده پژوهش

در جدول (۴)، تعدادی از مهم‌ترین معیارهای برازش و تفسیر آن‌ها به همراه مقادیر قابل قبول آن در مدل مفروض آمده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که عمده شاخص‌های برازش مدل قابل قبول هستند. بنابراین مدل ترسیم شده، مدلی است که می‌تواند تا حدودی داده‌های ما را با مدل نظری تطبیق دهد. به عبارت دیگر، مدل ما نشان می‌دهد که داده‌های تجربی ما می‌توانند به صورت مطلوبی با نظریه‌ها پوشش داده شوند.

جدول ۴. معیارهای برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

وضعیت پذیرش	تفسیر	سطح قابل قبول	مقدار حاصل در مدل	معیار برازش مدل
قابل قبول	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۹۰	نیکویی برازش (GFI)
قابل قبول	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۹۱	نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)
قابل قبول	مقدار کمتر از ۰/۰۸ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	کوچکتر از ۰/۰۸	۰/۰۷	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
قابل قبول	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۹۳	CFI
قابل قبول	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	۰/۹۲	برازش هنجار شده (NFI)
قابل قبول	مقدار کمتر از ۱ نشان‌دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر از ۵ منعکس کننده نیاز به بهبود است.	۱ تا ۵	۲/۵۴	کای اسکور نسبی (CMIN/DF)
قابل قبول	بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		۰/۴۹	شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)
قابل قبول	بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		۰/۵۴	برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)
قابل قبول	مقادیر نزدیک به ۱ حاکی از هرینه کمتر محقق در آزاد کردن پارامترهاست.		۰/۸۹	نسبت اقتصاد (PRATIO)

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان داد که احساس محرومیت نسبی و تعلقات و پیوندهای محله‌ای از عوامل اصلی گرایش جوانان به خشونت‌های شهری هستند. به طوری که با افزایش میزان احساس محرومیت نسبی نزد جوانان، گرایش آن‌ها به خشونت‌های شهری افزایش می‌یابد و این متغیر توانسته است ۰/۳۹ بر گرایش جوانان شهر رشت به خشونت‌های شهری تأثیرگذار باشد. طبیعتاً دسترسی محدود و ناچیز به منابع اقتصادی برای تأمین نیازهای اساسی و مورد نیاز می‌تواند منجر به افزایش استرس، ناکامی، بی‌قدرتی و تضعیف روحیه در افراد گردد که خود زمینه‌ساز مناسب خشونت شهری (اجتماعی و روانی) خواهد بود. بنابراین، توزیع برابر امکانات و برقراری عدالت اجتماعی و رفع مشکلات اقتصادی می‌تواند نقش موثری در کاهش احساس محرومیت و خشونت‌های شهری داشته باشد. طبیعتاً هرگاه افراد یک جامعه فرصت‌های برابری جهت دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی داشته باشند، طبیعتاً احساس نابرابری کمتر به آن‌ها دست می‌دهد و میزان گرایش آن‌ها به خشونت شهری نیز کاهش خواهد یافت. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که با افزایش میزان تعلقات و پیوندهای محله‌ای در بین جوانان، از گرایش آن‌ها به خشونت‌های شهری کاسته می‌شود. به طوری که تعلقات و پیوندهای محله‌ای ۰/۳۰- بر گرایش جوانان شهر رشت به خشونت‌های شهری تأثیر دارد. حس تعلق به محله یا پیوندهای محله‌ای فرایندی است که طی آن، مسئولیت‌پذیری و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد و به مشارکت می‌انجامد. همچنین با تنظیم روابط اجزای هر نظام، به کاهش پیچیدگی روابط اجتماعی منجر شده و رفتار دیگران را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی و به دنبال آن، افزایش احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و سرانجام، ثبات رفتار شهروندان می‌شود و همبستگی و انسجام و حس وفاداری به شهر را افزایش می‌دهد. در نتیجه، افراد به دلیل وابستگی به شهر و محله خود، آمادگی ایثار و فداکاری برای آن را پیدا خواهند کرد. بنابراین، می‌توان تعلقات و پیوندهای را یکی از مبانی مهم احساس مسئولیت اجتماعی و ارکان تصمیم‌گیری فرد درباره تنظیم روابط مناسب و تمرینش با جامعه و کاهش خشونت شهری دانست. از سوی دیگر زمانی که فردی حس تعلق اجتماعی خود را به منطقه سکونتش از دست می‌دهد، به آن مکان اهمیت نمی‌دهد و ناگزیر منطقه را ترک می‌کند و رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت‌طلبی شخص تقویت می‌شود و فرد فقط، به منافع شخصی‌اش می‌اندیشد. چنین وضعیتی به تدریج، آشفتنی و از هم‌گسیختگی اجتماعی را به دنبال می‌آورد که ثمره آن می‌تواند افزایش خشونت‌های شهری باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش، برای کاستن از گرایش جوانان به سمت خشونت‌های شهری لازم است از میزان احساس محرومیت نسبی جوانان در جهت ایجاد عدالت اجتماعی و برخورداری افراد از امکانات و تسهیلات برابر کاسته شود و از سویی دیگر ضروری است تعلقات و پیوندهای محله‌ای و هویت محله‌ای در بین جوانان تقویت شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی بوده که در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شده است.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: سمت.
- افشار، سیمین؛ عزیززاده اقدم، محمدباقر؛ عباس‌زاده، محمد و کوهی، کمال. (۱۳۹۸). فراتحلیل مطالعات انجام شده درباره عوامل موثر بر ترس از جرم در بین شهروندان ایرانی، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱۰(۱)، ۲۶-۵.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ پروایی هره دشت، شیوا؛ پیری، صدیقه و ادیب حاج باقری، ثریا. (۱۳۹۳). بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله قزل قلعه تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۴(۱۲)، ۱-۲۴.
- چپمن، دیوید. (۱۳۸۶). *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت*. ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، تهران: دانشگاه تهران.
- رشادی، منوچهر؛ زارع، بیژن؛ دانش، پروانه و قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی میزان ترس از جرم در شهرستان‌های استان همدان در دو سطح خرد و منطقه‌ای. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵(۴)، ۶۸۹-۶۶۳.

- زارعزاده اردشیر، لایلا و آقایی هیر، توکل. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با نزاع-درگیری فردی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز). *دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، ۷(۲۶)، ۱۴۲.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سمت.
- عشایری، طاهای؛ عباسی، الهام؛ نطقی، علیرضا؛ آخوندزاده آرانی، محدثه، و نوری، رمضانعلی. (۱۳۹۶). عوامل موثر بر ترس زنان از جرم در فضای شهری. *پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۱۹(۷۴)، ۱۵۰.
- قاسمی، وحید. (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد *Amos Graphic*. تهران: جامعه‌شناسان.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ پورغلامحسین، مهدی؛ گودرزی، امین و سنگانه، رحمان. (۱۳۹۵). نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در گرایش شهروندان بروجدی به خشونت خیابانی. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۷(۴۸)، ۱-۲۶.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۹۱). نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه). *مطالعات شهری*، ۲(۳)، ۶۴-۲۱.
- مبارکی، محمد و صلاحی، سمیه. (۱۳۹۱). کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۳۱۵-۳۷۵.
- محسنی، رضاعلی، میکائیلی، جعفر و طالب‌پور، اکبر. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری (مورد مطالعه شهر تهران). *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۵(۹)، ۱۵۴-۱۲۵.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا، قهرمانی، سهراب و یاهک، سجاد. (۱۳۹۰). فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی‌دفاع شهری). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۴)، ۷۰-۵۱.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۵). *برهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*. تهران: علم.
- محمدی، جمال و باقری کشکولی، علی. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری با استفاده از مدل ویکور (مطالعه موردی: محله‌های شهر یزد). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۴(۲)، ۱۲۸-۱۰۳.
- میکائیلی، جعفر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری در تهران و تحلیل جامعه‌شناختی آن. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- نایی، هوشنگ؛ صدیق سروستانی، رحمت‌اله و قهرمانی، سهراب. (۱۳۹۰). نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز. *دانش انتظامی*، ۱۳(۱)، ۲۳۱-۱۹۹.
- نبوی، عبدالحسین و حبیب‌شاه، فرات. (۱۳۹۴). بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز). *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۲(۴۴)، ۱۲۸-۱۱۴.
- یعقوبی چوبری، علی. (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی خشونت در استان گیلان: تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- Aliu, F. (2015). Urban violence and the challenges of Negeria. *Foreign Policy*, 18(1), 49-64.
- Briceño-León, R. (2005). Urban violence and public health in Latin America: a sociological explanatory framework. *Cadernos de saúde pública*, 21(6), 1629-1648.
- Chriss, J. J. (2022). *Social control: An introduction*. John Wiley & Sons.
- Davis, D. (2020). City, nation, network: Shifting territorialities of sovereignty and urban violence in Latin America. *Urban Planning*, 5(3), 206-216.
- Glass, M. R., Seybolt, T. B., & Williams, P. (2022). *Introduction to Urban Violence, Resilience and Security*. In *Urban Violence, Resilience and Security*. Edward Elgar Publishing.
- Ghorbanpour, M., Zali, N., Yourdkhani, M., & Azadeh, S. (2018). Evaluation of Effective Factors on Strengthening Vitality of Urban Walkways (Case Study: Alam-Al-Hoda Walkway in Rasht). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13(1), 105-123.
- Huq, A. Z., & Rappaport, J. (2022). Symposium Introduction: This Violent City? Urban Violence in Chicago and Beyond. *University of Chicago Law Review*, 89(2), 1-19.
- Idowu, A. O. (2018). Gang and urban violence prevalence on democratic sustenance. *ABAC Journal*, 38(1), 133-143.
- Laurito, A. (2022). Repeated exposure to urban violence harms the academic performance of New York City school children. *USApp-American Politics and Policy Blog*.
- Magner, N., Welker, R. B. & Campbell, T. L. (1996). Testing a model of cognitive budgetary participation processes in a latent variable structural equations framework. *Accounting and Business Research*, 27(1), 41-50.
- Morenoff, J. D., Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (2001). Neighborhood inequality, collective efficacy, and the spatial dynamics of urban violence. *Criminology*, 39(3), 517-558.

- Poveda, A. C. (2011). Economic development, inequality and poverty: an analysis of urban violence in Colombia. *Oxford Development Studies*, 39(4), 453-468.
- Pourmohammadi, M. R., & Zali, N. (2004). Human Development, Challenges and Prospects (with an Analytical Look at Human Development Indicators in Iran). *Journal of Humanities and Social Sciences, University of Tabriz*, 10(15), 44-52.
- Schafer, J. A., Huebner, B. M., Bynum, T. S. (2006). Fear of crime and criminal victimization: Gender-based contrasts. *Journal of Criminal Justice*, 34(3), 285-301.
- Trancik, R. (1991). *Finding lost space: theories of urban design*. John Wiley & Sons.
- Wakefield, L., & Tait, S. (2015). Crime and violence in formal and informal urban spaces in South Africa citizen security dialogues dispatches from South Africa: foreword. Stability. *International Journal of Security and Development*, 4(1), 1-4.
- Williams, P. (2022). Urban violence in the Global South: drug traffickers, gangs, and organized crime. In *Urban Violence, Resilience and Security* (pp. 21-38). Edward Elgar Publishing.
- World Bank. (2011). *Violence in the city: Understanding and supporting community responses to urban violence*. Washington.
- Zambon, G., & Feltran, G. (2022). Crime, Violence, and Inequality in São Paulo. *Stolen Cars: A Journey Through São Paulo's Urban Conflict*, 37-62.
- Zhang, L., Messner, S. F., Liu, J., & Zhuo, Y. A. (2009). Guanxi and fear of crime in contemporary urban China. *The British Journal of Criminology*, 49(4), 472-490.
- Zukin, S. (1995). *The cultures of cities*. Oxford: Blackwell.
- Zali, N., & Sarmast, B. (2010). The spatial layout of the urban networks and demographic planning in the 2022 prospective, the case of Azerbaijan. *Strategic Studies Quarterly*, 13(48), 59-89.
- Zali, N., Abizadeh, S., & Bagherinia, A. (2013). New Urbanism and Urban Design, Tools for Changing Behavioral Patterns of the Citizens. *International Journal of Natural & Engineering Sciences*, 7(1), 31-36.



How to cite this article:

Ebrahimi, N., Mohseni, R.A., & Elmi, M. (2024). Survey the Role of the Feeling of Relative Deprivation and Neighborhood ties in the Tendency towards Urban Violence (Case Study: Youth of Rasht City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 19(2), 189-200.

ارجاع به این مقاله:

ابراهیمی، نیر؛ محسنی، رضاعلی و علمی، محمود (۱۴۰۳). تحلیل نقش احساس محرومیت نسبی و پیوندهای محله‌ای در گرایش جوانان به خشونت شهری (مورد مطالعه: شهر رشت). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۹ (۲)، ۱۸۹-۲۰۰.